

الله الرحمن الرحيم



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ما دانشجویان و احصاء هیئت علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بهکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نهد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و امانت نتایج تحقیقات و انتقال آن به بهکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برانست: التزام به برانست جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به نانه های غیر علمی می آلاینند.



معاونت پژوهش و فن آوری
به نام خدا
تعهد اصالت پایان نامه تحصیلی

اینجناب صادق احمدی، دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی که در تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۱ از پایان نامه خود تحت عنوان " بررسی وضعیت ازدواج سرپرست با فرزند خوانده از دید فقهی و حقوقی " با کسب نمره ۱۷/۲۵ دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجناب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.

۲) این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت مجاز است با اینجناب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: صادق احمدی

تاریخ و امضاء



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد مرودشت
دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A) در رشته حقوق خصوصی

عنوان:

بررسی وضعیت ازدواج سرپرست با فرزندخوانده از دید فقهی و حقوقی

استاد راهنما:

دکتر عبدالحمید عارفیان

نگارش:

صادق احمدی

بهار ۱۳۹۴



صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

دانشجو: صادق احمدی، رشته: حقوق خصوصی، در تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۱
از پایان نامه خود با عنوان: **بررسی وضعیت ازدواج سرپرست با فرزند خوانده از دید فقهی و حقوقی**
با درجه و نمره ۱۷/۲۵ دفاع نموده است.

نام و نام خانوادگی اعضای هیات داوری	سمت	امضاء اعضای هیات داوری
۱ - دکتر عبدالحمید عارفیان	استاد راهنما	
۲ - دکتر علی مزارعی	استاد داور	
۳ - دکتر حجت الله ایزدی	استاد داور	

مراتب فوق مورد تایید است .
مدیر/معاونت پژوهشی
مهر و امضاء

تقدیم به

پدر و مادرم

که چگونه زیستخ را به من آموخته اند

سپاسگزاری

به استناد آیه شریفه ۱۵ از سوره مبارکه فاطر که خداوند عزوجل مرفرمايد "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلَمُ الْأَطِيبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ"، سفناخ و کلام لرزه‌مند به سوز خدا صعود مکنند و با ابدیت سفیت پیدا کرده و همواره آثار خود را ظاهر م‌سازند،

بسیار شایسته است از تلاش‌ها و مداوم و کوشش‌ها مستمر استاید لرزه‌مند که در طول نگارش این تحقیق و در طول تحصیل همواره از بیانات و آموخته‌ها آکنخ بشره برده ام و هیچگاه در راه‌ها تعلیم و تربیت و بسج و توسعه علم و دانش دریغ ننموده و از روش رایس و کارگرایس مرفر آکنخ، دانشجوهای زیادس آموزشهار تعلیم و تربیتس کسب نموده اند، در کمال امتناخ و افتخار تقدیر و تشکر نموده و آرزو سلامت و بقا عمر آکنخ را از خداوند مناخ ضولستارم.

از دکتر عبدالصمد عارفیخ؛ که خالصانه و صبورانه راهنمایس این رساله را بر عهده گرفت و زحمتهاس فرولانخ در اینج راه کشیدند و هیات داورانخ که دفاع مرا به دلورر نهستند، نهایت امتناخ و سپاسگزاری را درم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	مقدمه
۸	فصل اول: بررسی پیشینه و مبانی فرزند خواندگی
۹	مبحث اول: تعاریف و سیر تاریخی فرزند خواندگی
۹	گفتار اول: مفهوم و واژه شناسی
۱۰	گفتار دوم: فرزندخواندگی در تمدنهای گذشته
۱۷	گفتار سوم: پیدایش فرزندخواندگی در ایران
۱۸	مبحث دوم: مبانی فرزندخواندگی
۱۸	گفتار اول: مبانی پذیرنده یا پذیرفته شده فرزندخواندگی
۱۸	بند اول: مبانی پذیرنده (پدر یا مادرخوانده) فرزندخواندگی
۲۲	بند دوم: مبانی پذیرفته شده (فرزندخوانده)
۲۳	گفتار دوم: مبنا و اساس فرزندخواندگی
۲۸	فصل دوم: ازدواج سرپرست با فرزندخوانده از نظر فقهی
۲۹	مبحث اول: ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در آیات و روایات
۳۷	مبحث دوم: نظریه های فقها درباره ازدواج با فرزندخوانده
۴۵	مبحث سوم: ادله فقهی در رد ازدواج سرپرست با فرزندخوانده
۵۰	فصل سوم: ازدواج سرپرست با فرزند خوانده از نظر حقوق موضوعه ایران
۵۱	مبحث اول: ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در قانون مدنی
۵۴	مبحث دوم: ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست
۵۶	مبحث سوم: نظریه های حقوقدانان در زمینه ازدواج سرپرست و فرزندخوانده
۶۲	مبحث چهارم: ادله حقوقی در رد ازدواج سرپرست با فرزندخوانده
۶۶	فصل چهارم: آسیب ها و چالشهای ازدواج سرپرست با فرزندخوانده

۶۷	مبحث اول: آسیبها و چالشهای ازدواج سرپرست با فرزندخوانده از لحاظ جامعه شناسی
۷۰	مبحث دوم: آسیب ها و چالش های ازدواج سرپرست با فرزندخوانده از منظر روان شناسی
۷۵	مبحث سوم: آسیبها و چالشهای ازدواج سرپرست با فرزندخوانده از لحاظ فردی
۷۷	نتیجه گیری و پیشنهادات
۸۰	فهرست منابع
۸۳	چکیده انگلیسی

چکیده

تحقق نکاح منوط به عدم وجود یک سری مقررات امری در طرفین می باشد که عدم وجود آن در طرفین عقد نکاح به طور ضمنی دلالت بر صحت عقد نکاح می نماید که یکی از مهمترین این مقررات در امر نکاح عدم خویشاوندی می باشد که در خصوص نکاح سرپرست با فرزند خوانده، حکم سرپرستی به هیچ وجه موجب ایجاد قرابت و آثار آن و محرومیت نکاح فی مابین فرزند خوانده و سرپرست نمی گردد و در فقه و حقوق موضوعه ایران خویشاوندی شامل، خویشاوندی نسبی، رضاعی، سببی می باشد که فرزند خواندگی مشمول هیچکدام از خویشاوندی های فوق الذکر نمی گردد که همین امر باعث تجویز ازدواج سرپرست با فرزند خوانده توسط قانونگذار گردیده است هر چند که ازدواج سرپرست با فرزند خوانده از لحاظ فقهی و حقوق موضوعه ایران منعی نداشته ولی قانونگذار می بایست در زمان تصویب قانون به اخلاق، مذهب و ملاحظات اجتماعی توجه می نموده است که عدم توجه به این موارد باعث شده که اکثر فقها و حقوقدانان بعثت تعارض چنین ازدواجی با فلسفه اصلی قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست، اخلاق حسنه، نظم عمومی، عدم تامین نیازهای کودکان و نوجوانان، مخالفت با مقاصد شرع و حفظ حرمت و حریم خانواده نظر منفی نسبت به چنین ازدواجی داشته باشند.

کلید واژه: فقه، حقوق، ازدواج، فرزندخوانده، سرپرست

مقدمه

مطالعات دانشگاهی گسترده در حوزه مسائل خانواده در ایران نشان می دهد که عموم مسائلی که امروزه در خانواده ایرانی به نوعی «مشکل» تصور شده اند، از قبیل آمار بالای از هم پاشیدن خانواده ها، بی تمایلی جوانان به ازدواج و فرزندزایی، چندهمسری و ... راه حل هایی اجتماعی - فرهنگی و گاه حقوقی دارند. به سادگی می توان گفت که خانواده در ایران امروز در وضعیت بحرانی به سر نمی برد.^۱

فرزندخواندگی نهادی قانونی است که به موجب آن رابطه خاصی بین فرزندخوانده و پدرخوانده و مادرخوانده به وجود می آید. این امر در طول تاریخ حقوق، سابقه نسبتاً طولانی دارد و در ادوار مختلف با اهداف گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. این تأسیس حقوقی پس از سیر تحولاتی در حال حاضر به صورتهای کامل و ساده یا ناقص در حقوق کشورهای غربی با آثار متفاوت پذیرفته شده است. در ایران با وجود سابقه پذیرش این نهاد در دوران حکومت ساسانیان و اعتبار آن در نزد زرتشتیان، با نفوذ اسلام منسوخ گردید، ولی به علت فواید فردی و اجتماعی و نیاز مبرم جامعه و استقرار عدالت و حمایت از اطفال بدون سرپرست تحت عنوان «سرپرستی اطفال بدون سرپرست» با آثار حقوقی مشخصی احیا گردیده است.^۲

در زمینه فرزند خواندگی، مباحث و مطالعات زیادی صورت گرفته است و یکی از مسائلی که تقریباً موضوعی جدید و با فراز و نشیب هایی همراه بوده است، بحث ازدواج با فرزندخوانده می باشد که هر چند در قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، مصوب ۱۳۵۳ سخنی از ازدواج فرزندخوانده با سرپرست به میان نیامده بود، ولی در ماده ۲۴ «لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست» مصوب ۸۷/۳/۱۱ ازدواج فرزندخوانده با سرپرست خود را، مشروط به اجازه دادگاه با اخذ نظر کارشناسی سازمان بهزیستی کرده بود و در تبصره ماده ۲۷ لایحه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست مصوبه سال ۱۳۸۸/۷/۱۵ مجلس، اینگونه ازدواج ها ممنوع شد. شورای نگهبان

۱ - رهبری، لادن. ازدواج سرپرست با فرزند خوانده و حقوق فرزند. مازندران: دانشگاه مازندران، ۱۳۹۲، ص ۲.

۲- امامی، اسدالله (۱۳۸۸) وضع حقوقی فرزند خواندگی در ایران. بانک مقالات حقوقی، به تاریخ ۸۸/۰۷/۰۹، صص ۶-۲.

در تاریخ ۹۱/۵/۲۵ با این ممنوعیت مخالفت و به مجلس اعلام کرد که ممنوعیت این ازدواج "نسبت به موردی که پس از رسیدن طفل به سن بلوغ و رشد ازدواج به مصلحت وی باشد، خلاف موازین شرع است. سرانجام، مجلس، تبصره فوق را در مصوبه ای در تاریخ ۹۱/۱۲/۱ به تصویب رساند، به شرح ذیل تغییر داد: " ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن، بین سرپرست و فرزندخوانده، ممنوع است مگر اینکه دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان بهزیستی، این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد" که در نهایت شورای نگهبان قانون مذکور را تصویب و در مورخ ۹۲/۸/۸ در روزنامه رسمی منتشر شده و به صورت قانون در آمده است. قانون فوق، از نظر عده ای از فقها، قانون گذاران و روحانیون نفی گردیده و عده ای از قانون گذاران، فقها و روحانیون آن را با شرایطی پذیرفته اند پژوهش حاضر، به بررسی فرزند خواندگی در فقه و حقوق اسلامی به عنوان دو منبع مهم و اصلی در مباحث دینی و حقوقی پرداخته است.

بیان مسأله

فرزندخواندگی به اشکال گوناگون در بین جوامع و تمدن های متنوع تاریخی به طور نسبی سابقه طولانی دارد و محققان علل متفاوتی برای پیدایش آن ذکر کرده اند، بیشتر پژوهشگران بر این عقیده اند که فرزندخواندگی ریشه در نیاز نظامی و اقتصادی داشته که گاهی عوامل روحی و معنوی یا عاطفی موجب پیدایش آن شده است. در حال حاضر نیز این موضوع بر اساس نیازهای معنوی خانواده و کودک بدون سرپرست استوار است^۱.

بر همین اساس، فرزندخواندگی، در بسیاری از قوانین و ملت ها وجود دارد و به حالتی فقهی - قانونی تبدیل گردیده است. از نظر فقهی، فرزندخوانده، فرزند حقیقی به حساب نمی آید، هر چند در خانواده ای فردی رشد یافته است. امروزه این موضوع می خواهد به قانون تبدیل شود و این قانون شمولیت پیدا نموده است و مواردی دیگر را نیز مورد بحث قرار داده است که نمونه آن ازدواج با فرزند خوانده است، اینکه ازدواج با فرزند خوانده درست است یا خیر، سوالی است که در این پژوهش بررسی گردیده است و بر باور عده ای نمی توان درباره آن پاسخ قطعی داد. با تجویز ازدواج سرپرست با فرزند خوانده در قانون یکی از مسائل مهمی که با آن روبرو می باشیم این است که وضعیت و حکم چنین ازدواجی در فقه و شرع چیست؟ و اینکه برای وقوع چنین ازدواجی چه شرایطی لازم است؟ و یا وقوع چنین ازدواجی چه مشکلاتی را ممکن است برای سرپرست و فرزند خوانده به دنبال داشته باشد؟ و

۱- آدسمان، آلفرد و همکاران. والدین پذیرنده بچه ها: عملکرد مثبت در ساختاری بزرگ نقل از فاطمه علی اکبری و خسرو توکل، مجله تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۸، شماره ۲۲، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵.

مزایا و آسیب های چنین ازدواجی برای طرفین و جامعه چیست؟ یا اینکه این نوع ازدواج، باعث سوء استفاده از کودکان بی سرپرست خواهد شد یا خیر؟ یا تجویز چنین ازدواجی باعث افزایش آمار طلاق از نوع جدیدی در جامعه نمی گردد؟ بنابراین، در این تحقیق، پژوهشگر تلاش دارد که به بررسی وضعیت ازدواج سرپرست با فرزند خوانده در شرع و حقوق اسلامی و موانع و مشکلاتی که ممکن است در آینده به وجود آید، پردازد و در نهایت هم راهکارهای جهت رفع آن ارائه نماید، هر چند که ازدواج سرپرست با فرزند خوانده بصورت قانون در آمده است ولی تا حدودی بین فقها و حقوقدانان اسلامی در این زمینه، تفاوت نگرشی وجود دارد و هر چند مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان آن را تأیید کرده اند و شرایطی را در آن لحاظ نموده اند ولی در نهایت به صورت قانونی مدون در آمده است.

سوابق تحقیق

در زمینه تحقیق مزبور با توجه به اینکه یک موضوع جدیدی می باشد، سابقه ای وجود ندارد. اما پژوهش های محدودی در زمینه ازدواج با فرزندخوانده (نه در قالب فقه و حقوق اسلامی) انجام گرفته است، از جمله؛

شم آبادی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان « ازدواج سرپرست با فرزندخوانده » چنین بیان می کند که در سال ۱۳۸۳ و در حالی که ۳۰ سال از تصویب قانون «حمایت از کودکان بی سرپرست» میگذشت، لایحهای تحت عنوان «حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست» تدوین شد، لایحه ای که با آوردن یک تبصره ازدواج سرپرست با فرزندخوانده را چه در زمان حضانت و چه بعد از آن ممنوع می کرد، اما به تدریج و با گذر زمان قسمت دیگری به این تبصره اضافه شد تا موضوع ازدواج فرزند خوانده با سرپرست مشروط شود.

حسین زاده (۱۳۹۲) نیز در مقاله ای با عنوان « تحلیل حقوقی ازدواج سرپرست با فرزندخوانده » بر این باور است که؛ بسیاری از تحلیلگران این ماده را خلاف قواعد فقهی و حتی حقوقی دانسته اند و برخی دیگر هم این نهاد را توهین به کرامت خانواده قلمداد کرده اند. وی در نهایت چنین نتیجه می گیرد که، قانونگذار هم به اهمیت این نهاد حقوقی همواره توجه داشته است و با تأثیرپذیری از فقه امامیه و اخلاق اسلامی قواعد امر معینی را برای تحقق نکاح مدنظر داشته است. و در واقع مهم ترین شرط سلبی تحقیق عقد نکاح خویشاوندی است.

مجتهدی (۱۳۹۲) نیز در مقاله ای خود با عنوان «ازدواج با فرزند خوانده از دیدگاه روانکاوی اجتماعی» با بیان این که، یکی از مهمترین مولفه هایی که تغییر بنیادین در زندگانی بشر ایجاد کرد و سرآغاز زندگانی اجتماعی شد، فرهنگ و تمدن بود، که یکی از مهمترین عناصر آن، قانون است، بر این

باور است که ورود فرزند خوانده دختر به خانواده در جامعه ای که قانون ازدواج پدر خوانده- دخترخوانده را مجاز می شمارد، مسائلی سه گانه پدید می آورد:

الف) زن خانواده بین نقش مادر- فرزندی و هوویی در نوسان قرار می گیرد، از این روی، رابطه ای دوسوگرایانه (عاشقانه-پرخاشگرانه) از جهت عاطفی شکل می گیرد، که می تواند، رشد و تحول کودک و به سوی رشد جسمانی رفتنش، بار پرخاشگری را بر روان مادر سنگین تر سازد.

ب) پدر خانواده بین نقش پدر- فرزندی و همسری دچار اغتشاش می تواند گردد، چرا که در تعامل قانون- میل قانون جدید، ممنوعیت آور نیست و از جهت روانی می تواند بالقوه در فرد نقش فرزندی را کمرنگ و نقش همسری را پررنگ سازد.

پ) از همه فاجعه بار تر آن که، فرزند در برهه ی تحول روانی جنسی ادیپال(حدود ۴ تا ۶ سالگی) که باید ممنوعیت زناى محارم را بپذیرد و قانون یا پدر نمادین برای او شکل بگیرد دچار بحران می گردد، چرا که قانونی، به میل به پدر، مشروعیت همسرانه می بخشد و تثبیت در این برهه را مهیا می سازد که زمینه ساز بسیاری از اختلال های روانی می تواند شود.

رهبر (۱۳۹۲) نیز در مقاله ای با عنوان « ابعاد حقوقی ازدواج با فرزندخوانده » چنین یادآور می شود که، در شرع اسلام هیچ گاه فرزندخوانده مانند فرزند حقیقی به لحاظ حقوقی تلقی نمی شود و در صورت محرمیت هم حرمت شرعی وجود دارد و هم حریم قانونی و در صورت عدم محرمیت، ازدواج فرزندخوانده و سرپرست منع حقوقی و شرعی ندارد.

سؤالات تحقیق

سؤالات اصلی:

- ۱- ازدواج با فرزند خوانده از لحاظ فقهی و حقوقی چه حکمی دارد؟
- ۲- چه مشکلاتی ممکن است از ازدواج سرپرست با فرزند خوانده به وجود آید؟

سؤالات فرعی

- ۳- استدلالات فقهیان در زمینه مشکلات ازدواج سرپرست با فرزندخوانده چیست؟
- ۴- استدلالات قانونگذاران در زمینه مشکلات ازدواج سرپرست با فرزندخوانده چیست؟

فرضیه های تحقیق

- ۱- ازدواج سرپرست با فرزند خوانده از لحاظ فقهی و حقوقی مانعی ندارد.
- ۲- ازدواج سرپرست با فرزند خوانده مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه است.
- ۳- ازدواج سرپرست با فرزند خوانده باعث کاهش تمایل خانواده ها به پذیرش فرزند خواندگی می شود.

اهداف تحقیق

اهداف کلی

- ۱- بررسی وضعیت ازدواج سرپرست با فرزند خوانده از دید فقهی و حقوقی.
- ۲- بررسی تاثیرات فردی و اجتماعی ازدواج سرپرست با فرزند خوانده.

اهداف جزئی

- ۳- اصول فرزند خواندگی در فقه
- ۴- اصول فرزند خواندگی در حقوق موضوعه ایران

روش تحقیق

این تحقیق یک تحقیق نظری از نوع توصیفی- تحلیلی در زمره تحقیقات زمینه یابی می باشد که به صورت تطبیقی و با مطالعه و بررسی دقیق منابع فقهی و حقوقی صورت می پذیرد. برای جمع آوری اطلاعات از کتابخانه و سایت های اینترنتی و مقالات استفاده خواهد شد. استفاده از کتاب های حقوقی و فقهی معتبر و قابل اتکاء و بانک های اطلاعاتی مختلف و مقالات حقوقی و پژوهشگران برجسته حقوقی ابزارهای تحقیق هستند و در پایان نیز با تحلیل برخی از نظریات اهل فن و کارشناسان و منابع موجود، نتایج مورد ارزیابی واقع می گردد.

سازماندهی تحقیق

تحقیق حاضر از چهار فصل به قرار زیر تشکیل شده است:

فصل اول با عنوان مفاهیم و تاریخچه می باشد که در آن به بررسی فرزندخواندگی و مبانی و اساس فرزندخواندگی پرداخته خواهد شد.

فصل دوم با عنوان ازدواج سرپرست با فرزندخوانده از نظر فقهی خواهد بود که مباحثی همچون، ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در آیات و روایات و نظریه های فقها در این زمینه بررسی خواهد شد.

فصل سوم با عنوان ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در حقوق موضوعه ایران می باشد که مواردی همچون؛ ازدواج سرپرست با فرزندخوانده در قانون مدنی و نظریه های حقوقدانان مورد بررسی قرار گرفته خواهد شد و فصل چهارم با عنوان بررسی چالش ها و آسیبهای ازدواج سرپرست با فرزندخوانده است که در آن مباحث جامعه شناختی، روانشناسی و فردی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته خواهد شد و در نهایت از تحقیق نتیجه گیری خواهد شد و در آن گفتارها و مباحث بحث و نتیجه گیری همراه با محدودیتها و پیشنهادات ارائه خواهد شد .

فصل اول: مفاهیم و تاریخچه

مبحث اول: تعاریف و سیر تاریخی فرزند خواندگی

گفتار اول: مفهوم و واژه شناسی

فرزند خوانده، فرزندی است که از طریق رابطه حقوقی فرزندخواندگی عنوان فرزند یافته است. به عبارت دیگر؛ فرزندخواندگی یا تبنی آن است که شخص یا اشخاصی، شخص دیگری را که فرزند طبیعی او نیست، به فرزندی بپذیرد. فرزندخواندگی، در صورتی که به رسمیت شناخته شده باشد، نوعی قرابت ایجاد می کند.^۱ قرابتی که صرفاً حقوقی است، نه طبیعی. به عبارت دیگر، با قبول فرزندخواندگی، قانون رابطه مصنوعی پدر - فرزند یا مادر - فرزندی بین دو نفر ایجاد می کند.^۲

در تعریفی دیگر، فرزندخواندگی یا تبنی نهادی قانونی است که به موجب آن رابطه خاصی بین فرزندخوانده و پدرخوانده و مادرخوانده به وجود می آید. این امر در طول تاریخ حقوق به عنوان یکی از روشهای حمایت از کودکان بی سرپرست وجود داشته است.^۳

همچنین، فرزندخواندگی، عبارت است از یک رابطه حقوقی که بر اثر پذیرفته شدن طفل از جانب زن و مردی که پدر و مادر واقعی آن نیستند، به وجود می آید. تفاوت فرزند واقعی و فرزند حکمی یا ظاهری در این است که پیوند موجود بین فرزند حقیقی با پدر و مادر وی پیوندی طبیعی و ناگسستنی است و رابطه حقوقی بین آنان هرگز از بین نخواهد رفت، در صورتی که پیوند بین فرزند با پدر و مادر خوانده چندان محکم نیست و عواملی نظیر انحلال خانواده، با توجه به سیاست قانون گذار، ممکن است رابطه حقوقی موجود را ضایع نماید.^۴

فرزندخواندگی به اشکال گوناگون در بین جوامع و تمدن های متنوع تاریخی به طور نسبی سابقه طولانی دارد و محققان علل متفاوتی برای پیدایش آن ذکر کرده اند. بیشتر پژوهشگران بر این عقیده اند که فرزندخواندگی ریشه در نیاز نظامی و اقتصادی داشته، گاهی عوامل روحی و معنوی یا عاطفی موجب پیدایش آن شده است. در حال حاضر نیز این موضوع بر اساس نیازهای معنوی خانواده و کودک بدون سرپرست استوار است.^۵

۱ - امامی، اسدالله. مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه. تهران: نشر موسوی، چاپ دوم، جلد دوم، ۱۳۴۹. ص ۳۹۶.

۲- همان، ص ۲۳.

۳- رفیع پور، فرامرز. آناتومی جامعه یا سنه الله: مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی. تهران: انتشارات کاوه، ۱۳۷۷، ص ۱۱۷.

۴- آدسمان، آلفرد و همکاران، پیشین، ص ۵.

۵- همان، ص ۶.

تعدادی از حقوقدانان، با توجه به این تعریف اعتقاد دارند، چون رابطه فرزند خوانده با پدرخوانده و مادرخوانده خود امری حکمی است، لذا ممکن است در نتیجه بروز حوادثی از قبیل فوت پدرخوانده یا مادرخوانده یا فرزندخوانده رابطه ایجاد شده به هم خورده شود و در دو فرض اول، کودک (فرزندخوانده) در حکم فرزندخوانده دیگری درآید، در حالی که فرزند مشروع و طبیعی را هیچ حادثه ای نمی تواند از خانواده بیگانه سازد^۱.

گفتار دوم: فرزندخواندگی در تمدنهای گذشته

رسم و سنت فرزندخواندگی در میان اکثر جوامع و ملل گذشته و حاضر به صورتهای گوناگون معمول بوده و هست که عوامل آن، گوناگون است برخی از اقوام بر اثر عقاید و احکام خاص مذهبی، برخی به علل اقتصادی و عاطفی برخی به علت برقرار ساختن صلح، تحکیم مبانی دوستی دو قبیله فرزندان یکدیگر را فرزندخوانده خود می ساختند. در رسم قدیم به علت تامین قوای کافی در جهت تامین این اهداف فرزندخواندگی از اهمیت فراوانی برخوردار بود و کثرت و تعدد فرزندخواندگان سبب افزایش ارزش اعتبار خانواده ها می گردید^۲.

مطالبی که در احوالات شخصیه مسیحیان آمده فرزندخواندگی را در بین آنان تایید میکند و برای آن شرایطی ذکر شده است. در روم قدیم نیز که از قدیمی ترین امت هایی است که قوانین مدنی وضع کرده است تداوم مراسم خانوادگی و مذهبی در صورتی که خانواده پسر نداشت با پذیرفتن فرزندخوانده تضمین می گردید^۳.

می توان چنین عنوان کرد که، فرزندخواندگی نهادی است که به اشکال گوناگون، در بین جوامع و تمدنهای متنوع تاریخی، نسبتاً سابقه طولانی دارد. محققان برای پیدایش آن علل متفاوتی ذکر کرده اند. بیشتر پژوهشگران بر این عقیده اند که فرزندخواندگی، ریشه در نیاز نظامی و اقتصادی داشته و گاهی عوامل روحی و معنوی یا عاطفی موجب پیدایش آن شده است؛ در حال حاضر نیز این نهاد براساس نیازهای معنوی خانواده و کودک بدون سرپرست استوار است.

در گذشته دور، رؤسای قبیله ها به منظور تقویت بنیه دفاعی و زیاد شدن قدرت قبیلهای و داشتن جمعیت فراوان، خانواده ها و اعضای قوم را به داشتن فرزند زیادتر تشویق می کردند و به افراد

۱- کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی (خانواده). تهران: شرکت انتشار، ۱۳۷۱، صص ۳۸۲-۳۸۱.

۲- امامی، اسدالله، وضع فرزند خواندگی در ایران، پیشین، ص ۲۵.

کثیرالاولاد، صِلَه قابل توجَّهی می بخشیدند که بتدریج، داشتن فرزند وظیفه ای مقدس و سنتی حسنه شناخته شد و ارزش مذهبی پیدا کرد، به نحوی که افراد بدون فرزند در خود احساس کمبود می کردند و دچار مشکلات روحی می شدند. و متفکران برای حل این مشکل و جبران این کمبود، راه حلی اندیشیدند و چنین مرسوم گردید: افرادی که با وجود اشتیاق و علاقه فراوان به داشتن فرزند از این موهبت محروم بودند، فرزند خواندگانی انتخاب و جانشین فرزند واقعی نمایند. کم کم این طرز تفکر در ذهن مردم به عنوان سنت حسنه رسوخ کرد. از طرف دیگر در میان اقوام گذشته، خانواده براساس قدرت پدری یا پدر هایی استوار بود و رئیس خانواده قدرت فوق العاده ای داشت؛ به طوری که قادر بود به میل خود افراد و اعضای خانواده را تعیین و به هر ترتیبی که می خواست، خانواده خود را شکل می داد و حتی قادر بود اطفال و فرزندان واقعی و طبیعی خود را از خانواده اخراج و بیگانه ای را به فرزندی بپذیرد^۱. در رسم قدیم به منظور حفظ آیین دینی و مراسم و شعائر مذهبی و استقرار آداب خانوادگی و ایجاد نیرو و توانمندی لازم و همچنین برای نگاهداری و نگهداری اماکن متبرکه و تأمین قوای کافی در جهت تأمین این اهداف، فرزندخواندگی از اهمیت فراوانی برخوردار بود و کثرت و تعدد فرزندخواندگان سبب افزایش ارزش و اعتبار خانواده ها می گردید. در میان رومیان قدیم نیز چنین مرسوم بود که بعد از فوت رئیس خانواده، پسر وی ریاست خانواده را عهده دار می گردید. به همین دلیل، داشتن فرزندان ذکور اهمیت فراوانی داشت؛ زیرا تصور مردم چنین بود که اگر مردی فوت شود و پسر نداشته باشد، کانون خانواده از هم پاشیده خواهد شد و نیز معتقد بودند دختر هر خانواده با ازدواج کردن باید آداب و آیین خانواده اصلی خود را ترک کند و الزاما به آیین خانواده شوهر بپیوندد؛ بنابراین دختر قادر نبود آداب و سنن خانواده اصلی خود را حفظ کند؛ در نتیجه هر مرد رومی و رئیس خانواده، داشتن پسر را یک نیاز حتمی و امری ضروری می دانست و اگر پسری نداشت یا قادر نبود صاحب فرزند شود، بر حسب ضرورت، پسر شخص دیگری را به فرزندی می پذیرفت و برای به دست آوردن فرزندخوانده ناچار بود با یکی از رومیان دارای پسران متعدّد، توافق کند تا یکی از پسرانش را به وی بفروشد و از تمام حقوق خود نسبت به آن پسر صرفنظر کند. تشریفات چنین بود که طرفین و طفل در دادگاه حضور می یافتند و پدر کودک در نزد قاضی سه مرتبه اظهار و اعلان می کرد پسر را به مرد حاضر در دادگاه فروختم و با این اعلان دیگر هیچ گونه حقی بر آن فرزند نداشت و سپس پدرخوانده تسلیم کودک را به عنوان پسرخوانده خود از وی می خواست و قاضی دادگاه سکوت پدر واقعی طفل را حمل بر رضایت وی بر این اقدام می کرد و کودک را به پدرخوانده تحویل می داد. با طی این تشریفات، رابطه طفل با خانواده اصلی به طور کامل زایل و قطع شده، رابطه حقوقی وی با پدرخوانده

۱ - امامی، اسدالله، مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه، پیشین، ص ۵۰.